

راهبرد اصلاحات تدریجی و توسعه‌محور

الگوهای گذار به دموکراسی در تجربه‌های ایران معاصر و افق پیش‌رو



حمیدرضا جلالی‌پور

استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

در ایران در صدوسی سال گذشته حداقل شش حرکت جمعی (انقلاب، جنبش و ناجنبش) برای تقویت گشایش سیاسی، یا دموکراسی و یا حکومت قانون انجام شده است. این تلاش‌ها یک‌سره بی‌نتیجه نبوده اما ایران هنوز وارد مرحله تحکیم دموکراسی نشده است. روشن هست که‌در اوضاع فعلی ایران، دموکراسی و حاکمیت قانون در اولویت حکومت و نیروهای جامعه مدنی نیست، چون فرایند توسعه اقتصادی در تله تحریم‌ها و تهدیدهای اسرائیل-آمریکا قرار گرفته و ایران با انواع ناترازی‌ها در معیشت، انرژی و آب روبه‌رو شده است. فرض این نوشته این است که پس از رخدادهای اعتراضی مهسا در ۱۴۰۱، و رخدادهای پس از هفتم‌اکتبر در حوزه نفوذ ایران در خاورمیانه، و پس از بروز ملموس نارضایتی‌های ناشی از ناترازی‌ها مثل خاموشی‌ها، کمبود آب و گاز در زندگی روزمره مردم، جمهوری اسلامی نسبت به سیاست‌های داخلی و خارجی خود در حال تغییراتی است که این روزها نمود آن را در تغییر سیاست خارجی «نه جنگ و نه مذاکره» به «سیاست نه جنگ و مذاکره» با آمریکا می‌بینیم. باز فرض این نوشته این است که مذاکرات ایران و آمریکا برای یک توافق محدود در مورد انرژی هسته‌ای پیش خواهد رفت و فرایند توسعه اقتصادی کشور کمی بهبود خواهد یافت. در چنین شرایطی باز ارزشمند خواهد بود که دوباره به چگونگی تقویت دموکراسی و حاکمیت قانون بعنوان یک نیاز نهادی برای ثبات و پایداری ایران توجه کنیم. پس از ذکر این مقدمه، در این نوشته ابتدا مروری کوتاه بر الگوهای پیشین دموکراسی خواهی خواهم داشت و بعد با توجه به این سابقه از یک الگوی عملی و مفید برای آینده دفاع خواهم کرد.

▼ الگوهای دموکراسی خواهی پیشین

الگوی دموکراسی خواهی در انقلاب مشروطه (۱۲۸۵ شمسی) «انقلابی» بود. زیر انقلاب مشروطه واکنشی مستقیم به استبداد قاجار و نفوذ خارجی (بریتانیا و روسیه) بود. روشنفکران، تجار، روحانیون و بخشی از مردم عادی با اعتراضات خود خواستار عدالت‌خانه، قانون اساسی و محدود کردن قدرت پادشاه بودند. این حرکت با تظاهرات، اعتصابات (مثل تحصن در سفارت بریتانیا) و فشار مردمی به تصویب قانون اساسی و تشکیل مجلس منجر شد. تغییر سریع ساختار قدرت (از استبداد مطلق به مشروطه) ویژگی انقلابی حرکت مشروطه برای رسیدن به حاکمیت قانون بود. این انقلاب تا حدی موفق بود (مجلس تأسیس شد و قانون اساسی تصویب شد)، اما در طی کمتر از بیست سال، ضعف نهادها، اپیدمی وبا، مداخله خارجی و اشغال سرزمین ایران و کودتای رضاخان (۱۲۹۹) به بازگشت استبداد منجر شد. می‌توان گفت نبود نهادهای قوی چه در جامعه مدنی و چه در حکومت، اختلاف میان نخبگان (روحانیون، روشنفکران) و نفوذ خارجی، الگوی گذار ضعیفی را به جا گذاشت و حاکمیت قانون در کشور پایدار نشد.

الگوی دموکراسی خواهی نهضت ملی مصدق (۱۳۲۸-۱۳۳۲) بیشتر مبتنی بر «اصلاحات تدریجی» بود، به دنبال تغییر ساختار حکومت نبود. این نهضت خواستار ملی کردن نفت، کاهش نفوذ خارجی (به‌ویژه بریتانیا) و تقویت دموکراسی پارلمانی بود. این حرکت ابتدا از طریق نهادهای موجود (مجلس) و اصلاحات قانونی پیش رفت (همان الگوی اصلاحات تدریجی)، و از حمایت مردمی و تظاهرات خیابانی هم برخوردار بود. به بیان دیگر مصدق تلاش کرد با استفاده از مجلس و دولت، حکومت قانون و دموکراسی را تقویت کند. اما با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ (که مورد حمایت آمریکا و بریتانیا بود) دولت مصدق سرنگون شد و پس از آن استبداد پهلوی تقویت شد. می‌توان گفت عوام‌ملی چون مداخله خارجی، ضعف در اجماع نخبگان (اختلاف میان مصدقی‌ها، کاشانی‌ها و حزب توده‌ای‌ها) و مقاومت دربار و ارتش شاه و نیروهای محافظه‌کار، نگذاشتند نهضت ملی، حکومت قانون و دموکراسی را در ایران تثبیت کند.

الگوی دموکراسی خواهی در انقلاب ۵۷ «انقلابی و مجمل» بود. انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ علیه رژیم پهلوی با مشارکت گسترده مردم مذهبی، روحانیون، روشنفکران و گروه‌های چپ و ملی‌گرا شکل گرفت و خواستار سرنگونی حکومت پهلوی و برقراری استقلال، عدالت و آزادی بود. اعتراضات خیابانی عظیم، اعتصابات (مثل اعتصاب صنعت نفت و بعد ادارات) معطوف به فروپاشی سریع حکومت پهلوی بود. اگرچه برخی از انقلابیون خواهان دموکراسی و حکومت قانون بودند مثل نیروهای نهضت آزادی و دیگران اما پس از انقلاب، نیروهای اسلام‌گرا قدرت را به دست گرفتند و نظام جمهوری اسلامی برقرار شد. برای اسلام‌گرایان پیرو خط امام استقلال، طرفداری از محرومان و ضدیت با قدرت‌های خارجی بیش از تقویت حکومت قانون و دموکراسی مورد توجه قرار گرفت. به بیان دیگر، نبود اجماع بر سر دموکراسی و حاکمیت قانون در میان نخبگان، وقوع درگیری‌های مسلحانه در استان‌های مرزی ایران، حمله صدام حسین به خاک ایران و هژمونی نیروهای اسلام‌گرا در تأسیس جمهوری اسلامی، همزیستی میان نیروهایی که در انقلاب شرکت کرده بودند را میسر نساخت و به جای دموکراسی، یک نظام سیاسی ترکیبی (از عناصر دینی و مردمی) شکل گرفت.

الگوی دموکراسی خواهی در جنبش اصلاحات پس از دوم خرداد (۱۳۷۶) الگوی «اصلاحات تدریجی» بود. پیروزی غیرمنتظره سیمحمد خاتمی در انتخابات ۱۳۷۶ با شعارهایی مانند حاکمیت قانون، جامعه مدنی و گفتگوی تمدن‌ها، تلافی برای اصلاح نظام جمهوری اسلامی از درون بود. این جنبش بر استفاده از نهادهای موجود (انتخابات، مجلس، رسانه‌ها) برای گسترش آزادی‌ها و دموکراسی تمرکز داشت. حرکت در چارچوب قانون اساسی، تأکید بر انتخابات و تغییرات گام‌به‌گام، همه ویژگی اصلاحات تدریجی بود. مقاومت نهادهای غیرانتخابی (مثل شورای نگهبان، سپاه و بسیج) و برخورد با اصلاح‌طلبان

(مثل بستن ده‌ها روزنامه، زندانی کردن روزنامه‌نگاران و فعالان دانشجویی و سیاسی) موفقیت جنبش را محدود کرد. به بیان دیگر مقاومت دولت پنهان در برابر تغییر، محدودیت‌های ساختاری نظام، ضعف عاملیت اصلاح‌طلبان و مقاومت کم‌نظیر شورای نگهبان در برابر دو قانون «اختیارات ریاست جمهوری» و «انتخابات» که خاتمی پیشنهاد کرده بود، باعث شد ایران نتواند وارد مرحله تثبیت دموکراسی شود.

الگوی دموکراسی خواهی در انتخابات مجلس سیزدهم (۱۳۸۸) الگوی مقاومت مدنی بود. پس از انتخابات مناقشه‌برانگیز ریاست جمهوری ۱۳۸۸، مردم با شعار «رأی من کو؟» به نتایج اعتراض کردند و خواستار شفافیت، آزادی و دموکراسی شدند. در ابتدا، جنبش در چارچوب نظام (حمایت از میر حسین موسوی و اصلاحات) عمل کرد (با همان اصلاحات تدریجی)، اما با برخورد شدید، به اعتراضات خیابانی گسترده و رادیکال‌تر شدن مطالبات منجر شد. در نتیجه، حصر رهبران (موسوی و کروبی) به تاخیر در دستیابی به رعایت قواعد دموکراسی شد. فقدان سازماندهی منسجم معترضان، برخورد شدید با آنان و ضعف امکانات نهادی در حکومت برای مدیریت اختلافات، سیاست ایران را وارد مرحله تثبیت دموکراسی نکرد.

الگوی دموکراسی خواهی در حوادث مهسا در پاییز ۱۴۰۱ در ابتدا مدنی و در ادامه به «الگوی انقلابی» نزدیک شد. پس از جان‌باختن مهسا امینی در بازداشت گشت ارشاد، اعتراضات گسترده با شعار «زن، زندگی، آزادی» شکل گرفت و معترضان خواستار تغییرات اساسی در نظام سیاسی شدند. معترضان عمدتاً شامل جوانان، زنان و اقوام بودند و شعارهای ساختار شکن سر می‌دادند و رسانه‌های ماهواره‌ای خارج از کشور هم کل نظام را هدف‌گیری می‌کردند. ضعف مدیریت اعتراضات، ضعف نهادهای مدنی و درگیری گسترده و تهدیدات بین‌المللی باعث شد معترضین به اهدافشان نرسند، اگرچه زنان در عمل توانستند «تحمل تکرر در پوشش» را به حکومت بقبولانند. همانطور که در شش حرکت جمعی ذکر شده ملاحظه کردید الگوی دموکراسی خواهی در ایران عمدتاً «ترکیبی» از الگوی انقلابی (مشروطه، انقلاب ۵۷، حوادث مهسا) و اصلاحات تدریجی (نهضت ملی، جنبش اصلاحات) بوده است. در برابر دموکراسی خواهی، ساختارهای اقتدارگرا مقاومت می‌کردند، نهادهای بوروکراتیک و جامعه مدنی ضعیف بودند، اجماع میان نخبگان و گروه‌های اجتماعی وجود نداشت، برخورد شدید با اعتراضات بود، نیروی خارجی با مثل ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دخالت می‌کرد یا مثل ۱۴۰۱ کثیری از مردم از دخالت خارجی نگران بودند و بخاطر پیامدهای نامعلوم آن در بزنگاه‌ها معترضان دفع نمی‌کردند.

▼ الگو و عناوین مفید برای گذار در آینده ایران

ایران در حال و آینده برای مهار و درمان ناترازی‌ها نیازمند توسعه همه‌جانبه و پایدار است، لازمه تحقق چنین هدفی تقویت دموکراسی و حاکمیت قانون است و گزینه ثبات سیاسی در کشور که لازمه توسعه است تأمین نمی‌شود. انتخاب الگو و سرفصل‌هایی برای گذار به دموکراسی در ایران به شرایط خاص این کشور (ساختار سیاسی، نقش نیروهای مذهبی، وضعیت اقتصادی، تنوع قومی و فشارهای بین‌المللی) بستگی دارد و الگویی که برای گذار تغییر حکومت را پیشنهاد می‌کند، نه فقط غیرعملی که مخرب هست، چرا برخی الگوها کمتر عملی‌اند؟ الگوی انقلابی اگرچه پتانسیل تغییر سریع دارند، اما برخورد شدید، فقدان نهادهای قوی و خطر هرج‌ومرج با تسلط نیروهای ایدئولوژیک موفقیت آن را در ایران کمتنی دشوار می‌کند. روشن است مداخله خارجی (مثل فشار نظامی یا دیپلماتیک) به دلیل حساسیت تاریخی و سوق الجیشی ایران به نفوذ خارجی، احتمال مقاومت مردم و حکومت را برای پذیرش تغییرات افزایش می‌دهد. فروپاشی ناگهانی حکومت به دلیل قدرت نهادهای امنیتی و نظامی در ایران بعید است و حتی اگر رخ دهد، ممکن است به بی‌ثباتی منجر شده و حتی تمامیت ارضی ایران را تهدید بد.

در واقع الگوی پیشنهادی با توجه به تجربیات گذشته ایران می‌تواند «ترکیبی از اصلاحات تدریجی و توسعه‌محور» باشد. چرا این الگو مفید است؟ با توجه به قدرت ساختارهای موجود، اصلاحات تدریجی در چارچوب نظام می‌تواند مقاومت را کاهش دهد و فضا را برای تغییرات عام‌المنفعه باز کند. حکومت از تقویت توسعه اقتصادی نمی‌هراسد و تقویت اقتصاد، کاهش نابرابری و رشد طبقه متوسط می‌تواند تقاضا برای دموکراسی را افزایش دهد. تغییرات تدریجی از فروپاشی ناگهانی و خشونت و آشوب سراسری که خواست نتانیا‌هو در اسرائیل است، جلوگیری می‌کند. در این الگو عناوین ذیل اهمیت پیدای می‌کند: توسعه اقتصادی و اجتماعی با همین حکومت موجود: کاهش تحریم‌ها و سوءمدیریت برای بهبود معیشت و ترمیم زیرساخت‌ها و جلوگیری از ریزش بیش‌تر طبقه متوسط به اقشار پایین‌تر؛ سرمایه‌گذاری در آموزش، بهداشت و درمان و اشتغال برای افزایش توانایی شهروندان؛ اصلاحات تدریجی از طریق تقویت نهادهای انتخابی (مثل مجلس) با کاهش نظارت استصوابی و تقویت تحزب‌یابی؛ گسترش آزادی رسانه‌ها و تقویت سمن‌ها، اصناف و انجمن‌های داوطلبانه؛ نقش نخبگان و اجماع در امور کلیدی کشور از طریق گفت‌وگو میان نخبگان حکومتی، اصول‌گرایان، اصلاح‌طلبان، دگراندیشان و اپوزیسیون میانه‌رو؛ تشویق به تقویت دیپلماسی و سیاست خارجی متوازن؛ احترام به حقوق فرهنگی اقوام ایران و تلاش برای رفع تبعیض‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در این مناطق. این نگاه ترکیبی از اصلاحات تدریجی و توسعه‌محور عملی‌تر و مفیدتر است، زیرا با شرایط ایران سازگارتر است. این نگاه نیازمند توسعه اقتصادی، تقویت جامعه مدنی، مذاکره نخبگان و افزایش ظرفیت بوروکراتیک دولت برای تأمین خدمات پایه مورد نیاز شهروندان مثل برق، آب، گاز، دارو و مسکن ارزان است. موفقیت این نگاه به همکاری حکومت و نیروهای جامعه مدنی و به کاهش تنش، جلب اعتماد شهروندان و انعطاف‌پذیری حاکمیت بستگی دارد. حاکمیت اگر نسبت به نیازهای اساسی جامعه انعطاف نشان دهد مثل اعتراضات ۹۶ و ۹۸ و ۱۴۰۱ مشکل پیدانی کند.

تیتریک

HEADLINE ONE

۲

گزارش یک



عکس: leader

در پاسخ به مواضع طرف‌های آمریکایی و با تأکید بر استقلال ملی ایران

رهبری تعطیلی غنی‌سازی را رد کردند

اما رکن دوم «استقلال ملی» است. بسیاری از سرفصل‌هایی که در بیانات امام تکرار شده است و ایشان مرکز روی آنها تکیه کردند، در ذیل عنوان «استقلال ملی» می‌گنجند. البته «استقلال» به معنای قطع رابطه با محیط پیرامون و دنیا نیست؛ بعضی‌ها مغالطه‌تکنند که بگویند ما خودمان را منزوی کردیم؛ نخیر، «استقلال» به معنای عدم ارتباط با کسی نیست. معنای «استقلال» این است که کشور ایران، ملت ایران، روی پای خودش بایستد، به این و آن تکیه نکند، خودش تشخیص بدهد، خودش تصمیم بگیرد، خودش عمل کند؛ این معنای «استقلال ملی» است. معنای «استقلال» این است، منتظر چراغ سبز آمریکا و امثال آمریکا نباشد؛ نگران چراغ قرمز آمریکا و امثال آمریکا نباشد؛ تشخیص با خود ملت ایران، تصمیم‌گیری با خود ملت ایران و اقدام در هر جایی که لازم باشد با خود ملت ایران است؛ دیگران، قدرت‌ها، آمریکا، دیگری، موافق باشند یا مخالف باشند اهمیت ندارد؛ این معنای «استقلال» است. ایشان «امی‌توانیم»، «مقاومت»، «ارتقاء قدرت دفاعی کشور»، «تبیین‌و» «استقامت» را دیگر سرفصل‌های رکن استقلال ملی دانستند و درباره تبیین توضیح دادند: «تبیین یعنی مردم را در جریان مسائلی که باید بدانند، با زبان مناسب قرار دادن. خود امام، از آغاز نهضت، از اول نهضت با مردم حرف زد، برای مردم تبیین کرد، تا آخرین سال عمر او که این نوشته‌های امام بزنگار در سال آخر عمر مبارک ایشان جزو برترین نوشته‌های ایشان است؛ خطاب به مردم، خطاب به حوزه‌های علمیه و طلاب و علما، خطاب به دانش‌گاهیان و دیگران، امام وقتی تبیین می‌کرد، تبیین امام فقط تحریک احساسات نبود؛ هم احساسات را هدایت می‌کرد، هم با مغزها حرف می‌زد؛ می‌توانست این‌چنین تبیین کند». ایشان در ادامه گفتند: «امروز گاهی ما می‌بینیم در بعضی از گفتارهای می‌گویند «عقلانیت»، اسم «عقلانیت» را می‌آورند، [اما] منظورشان از «عقلانیت» این است که ما برویم در مقابل آمریکا سر خم کنیم؟ می‌گویند این «عقلانیت» است! مقصودشان این است که ما تسلیم قدرت زورگوشویم؛ این را «عقلانیت» می‌دانند! اینها «عقلانیت» نیست. «عقلانیت»، «عقلانیت امام است؛ همان چیزی است که توانست این ملت را پیش ببرد، این ملت را قوی کند، مقتدر کند، در دنیا آبرومند کند، موجه کند و آینده روشنی را در مقابل این ملت بگذارد. ان‌شاء‌الله کشور با عقلانیتی که امام پایه‌گذاری کردند می‌تواند به پیشرفت برسد، می‌تواند به امنیت پایدار برسد، می‌تواند به رفاه عمومی برسد و در محیط بین‌الملل هم می‌تواند از آنچه هست ارتقاء بیشتری پیدا کند».

▼ درباره مسئله هسته‌ای

رهبری در بخش دوم بیانات خود به تبیین مسئله هسته‌ای به‌عنوان یک

گروه خبر: مقام معظم رهبری در مراسم سی و ششمین سالگرد ارتحال امام خمینی با بیان اینکه «نظام سیاسی کشور ما – که بحمدالله نظام دارای رشد و ثبات و اقتدار است – برآمده و متولدشده از یک انقلاب عظیم است»، گفتند: «رهبر آن انقلاب و پدیدآورنده آن انقلاب و معمار نظام اسلامی برآمده از آن انقلاب، مرد بزرگی است که امروز بعد از سی و چند سال از رحلت ایشان، حضور او در جهان همچنان محسوس است و تأثیر عظیم او و تأثیر انقلاب او را انسان در جهان امروز می‌تواند به‌وضوح مشاهده کند؛ نظم بین‌المللی چندقطبی جهان، متأثر از انقلاب اوست؛ افول قدرت‌های بزرگ، متأثر از انقلاب اوست؛ تنزل شدید جایگاه و نفوذ آمریکا در دنیا متأثر از انقلاب اوست؛ نفرت عمومی از صهیونیسم – که امروز به‌طور واضح در دنیا دیده می‌شود – متأثر از انقلاب اوست؛ صراحت بسیاری از ملت‌ها، بخصوص جوان‌هایشان، در نفی ارزش‌های غربی که امروز مشاهده می‌شود، متأثر از انقلاب اوست». آیت‌الله خامنه‌ای در ادامه افزودند: «اگر بعد از انقلاب یک حکومت سازگاری بر سر کار می‌آمد – همچنان که در اوایل کار، یک نشانه‌هایی هم از این دیده شد که یک حکومت سازگار با غرب بر سر کار بیاید – اگر چنین چیزی اتفاق می‌افتاد، غربی‌ها امیدوار می‌شدند که بتوانند دوباره در ایران نفوذ کنند و منافع نامشروع خودشان را در این کشور تأمین کنند، لکن امام مواضع صریح و روشن خود را در بنای اسلامی کشور ابراز کرد؛ یعنی امام اعلام کرد – هم در زبان، هم در عمل – که نظامی که برآمده از این انقلاب است یک نظام اسلامی است، یک نظام دینی است. از اینجا توطئه‌ها شروع شد». رهبری با بیان اینکه «هیچ نظام انقلابی را در دنیا در تاریخ این دوسه قرن انقلاب‌ها نمی‌شناسم که تا این اندازه در معرض توطئه و دشمنی و طراحی دشمنان قرار گرفته باشد»، گفتند: «چه کسی این توطئه‌ها را انجام می‌داد؟ یک وقت هست که گروه‌های تروریستی یک کاری را انجام می‌دهند، [اما] در ایران این‌چنین نبود؛ این توطئه‌ها، این طراحی‌ها، این خیانت‌ها به وسیله دولت‌های مستکبر – عمدتاً آمریکا و صهیونیسم – و به وسیله دستگاه‌های جاسوسی معروف دنیا انجام می‌گرفت. نظام اسلامی، جمهوری اسلامی، در مقابل همه این توطئه‌ها و طراحی‌ها و دشمنی‌ها طاقت آورد و این توطئه‌ها را خنثی کرد».

▼ اهمیت استقلال ملی

آیت‌الله خامنه‌ای با بیان اینکه «مظهر عقلانیت امام دورکن اساسی بود: یک رکن ولایت‌فقیهه و یک رکن استقلال ملی»، افزودند: «درباره ولایت‌فقیهه توضیحات زیادی داده شده، من نمی‌خواهم وارد آن بشوم. ولایت‌فقیهه جنبه دینی این انقلاب را حفظ کرد. اگر ولایت‌فقیهه نبود، این انقلابی که با انگیزه دینی و با گذشت ناشی از ایمان به خدا به وجود آمده بود، از راه دین منحرف می‌شد.

ترامپ و پوتین درباره ایران گفت‌گو کردند

قطب سوم مذاکره؟

گروه خبر: رؤسای جمهور آمریکا و روسیه، روز ۱۴ خرداد برای چهارمین بار به صورت تلفنی گفت‌وگو کردند. گفته می‌شود که این مکالمه یک ساعت و ۱۵ دقیقه طول کشید و به گفته دونالد ترامپ، سخنگوی کرملین و ادعای رسانه‌های مختلف، بخشی از آن به موضوع ایران و مذاکرات هسته‌ای اختصاص داشته است.

▼ محور ایران

ترامپ روز چهارشنبه هفته گذشته به وقت محلی، پس از پایان گفت‌وگوی خود در شبکه اجتماعی تروث نوشت: «ما در مورد حمله به هواپیماهای روسیه بر روی باند فرودگاه توسط اوکراین و همچنین حملات مختلف دیگری که توسط هر دو طرف رخ داده است، گفت‌وگو کردیم. گفت‌وگوی خوبی بود، اما گفت‌وگویی نبود که به صلح فوری منجر شود. رئیس جمهوری روسیه با قاطعیت گفت که باید به



عکس: AP

گزارش دو

حمله اخیر به فرودگاه‌ها پاسخ دهد. ما همچنین در مورد ایران و این واقعیت که زمان برای تصمیم ایران در مورد سلاح‌های هسته‌ای روه به اتمام است بحث کردیم! این تصمیم باید به سرعت اتخاذ شود. من به رئیس جمهوری روسیه گفتیم که ایران نمی‌تواند سلاح هسته‌ای داشته باشد و در این مورد، من متقدم که ما با هم توافق داریم.» ترامپ همچنین بعضی ادعاهای پیشین خود درباره ایران را تکرار کرد و ادامه داد: «رئیس جمهوری روسیه پیشنهاد داد که مذاکرات با ایران شرکت خواهد کرد و شاید بتواند در به نتیجه رساندن سریع این موضوع مفید باشد. به نظر من ایران در مورد این موضوع بسیار مهم، در تصمیم‌گیری خود تعلل کرده و ما در مدت‌زمان بسیار کوتاهی به بیابش قطعی نیاز خواهیم داشت!» «دیمیتری پسکوف، سخنگوی کرملین نیز درباره قسمت مربوط به ایران در مکالمه رؤسای جمهوری روسیه و آمریکا در پاسخ به خبرنگاران گفت: «در صورت لزوم... این همان روندی